

## بخش سوم



فرمان یورش به کردستان به دستور شخص خمینی (3)  
(جنگ سه ماهه در کردستان 27 مردادماه - 26 ابان ماه 1358)

## بخش سوم

### اشغال و تسخیر شهر مهاباد و تظاهرات مردم شهر (3)

قبل از اینکه به بحث درباره اشغال شهر مهاباد بپردازم ، لازم می‌دانم بخاطر رعایت پس و پیش تاریخ رویدادها به چند مسئله اشاره‌ای داشته باشم . خلخالى جنایتکار که به دستور شخص خمینی برای اجرای قتل عام به کردستان آمده بود . در سال 1357 در شهر بانه تبعید بوده است . اواز سوی مردم بانه بویژه آقای شیخ جلال حسینی پذیرایی شد در آن روزها که در شهر سقز بود ، نامه‌ای به شیخ جلال مسئول دفتر ماموستا در بانه می‌نویسد و از او می‌خواهد که خود را تسلیم کند . آقای شیخ جلال حسینی که در مقدمه دیوان اشعارش خاطراتش را نوشته است ، در رابطه با این نامه خلخالى چنین می‌نویسد : « ... بعد از تسخیر شهر هاوکشتار و قتل عام مردم نامه‌ای را از جانب گروهی روحانیون سقز برایم فرستاد که پیش آنها برگردم و با کمونیست‌ها کار نکنم . من جواب تدد و ندانشکنی برایش نوشتم . نامه‌اش را همراه نامه خودم چاپ کرده و پخش کردم . من در این نامه نوشته بودم که خلخالى دستش اغشته به خون هموطنان من است

و این جنایتکار از من میخواهد که زیر سایه و پرچم آنها برگردم. نامه من موجب خوشحالی مردم شد...» دیوان اشعار سید جلال الدین حسینی ص. 16. همچنین خلخالی در ارتباط با تبعیدیک روحانی در شهر سقز اعلامیه‌ای را پخش میکند و آقای ملا جلال شافعی یکی از روحانیون سقز را به جرم همکاری نزدیک با ماموستا شیخ عزالدین و حزب دمکرات و تحریک مردم برای دفاع از خود برای مدت 2 سال به کرمان تبعید میکند و نیز دکتر احمد نیلوفری رئیس بیمارستان سقز به جرم مداوای مجروحین جنگ 5 روزه سقز به شهر فسنجان و آقای حسین رضایی راننده کامیون شهرداری به نائین تبعید می‌شوند. روزنامه اطلاعات 11 و 15. 6. 58 ص. 3 و 2 این بود جواب مهمانوازیهای مردم کردستان...

مکارم شیرازی هم که در سال 57 در شهر مهاباد تبعید بوده است و در دفتر خمینی کار میکرد در همین روزنامه مینویسد «من به سهم خودم حاضرم برای حل مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه مسئله کردستان به انجاسفر کنم. بخصوص که من مدتی در مهاباد تبعید بودم و با عده‌ای از دانشمندان و علمای کرد ارتباط داشته و دارم و ممکن است مفید واقع شوم». روزنامه اطلاعات 11. 6. 58 ص. 3.



### اشغال و تسخیر شهر مهاباد (3)

ماه 12 شهریور ماه 58 «سوم سپتامبر 79» میرسیم. این روز هم برای کردها و هم برای دولت یک روز حساس و پر آشوب و هیجانی است. هزاران نفر از افراد نیروی نظامی دولتی در نزدیکی بخش شرقی و شمالی مهاباد و نیز در نزدیک بانه مستقر گردیده‌اند و در آن مناطق درگیریهای شدیدی در جریان است. روز گذشته باز هم در منطقه بسطام مریوان یک روز بعد از شهید شدن مهندس فواد مصطفی سلطانی جنگ سختی روی داد. لشکرهای نظامی متعددی از شهرهای شیراز، شاهرود، خوزستان، قزوین، همدان، تهران، تبریز، مراغه و نقاط دیگر ایران به شهرهای کردستان اعزام شده‌اند. از طرف دیگر یک جنگ تبلیغاتی شدید علیه ملت کردها در جریان است. در خارج از کردستان به مردم گفته اند که ما با اسرائیل و شوروی و هواداران شاه می‌جنگیم. بسیاری از مردم ناگاه ایران حتی افسران نظامی و سیاسیون هم این را باور میکنند. نیروهای اشغال‌گرو ویژه در صدد تسخیر و اشغال شهرهای مهاباد و بانه هستند. اما آیا دوشهر بانه و مهاباد میتوانند حماسه مقاومت 5 روزه شهر سقز را بیافرینند؟ روحانیون مهاباد که در مخابرات شهر بست نشسته اند چه تصمیمی

میگیرند؟ آیا آنها ندرهیرروحانی انقلابی و روشنفکرشان برای ادامه اعتراض به کشتار وحشیانه و جنایت "قارنه" هم باشد، مدتی به کوهستانهاروانه میشوند تا شاید رگ اعصاب پیرجنگ افروز قم بیشتر دچار هیجان و بی احساسی شود؟ یا اینکه آنها همچنان تحت تاثیر تبلیغات و تحریکات توده‌ایهای مزدور شوروی و جمعی از پولداران و اسایشخواهان شهر هستند که خیال می‌کردند این جنگ را کردها تحمیل کرده‌اند و آنها هستند که به شهرهای خارج از کردستان نیرو فرستاده و فرمان بسیج عمومی داده‌اند؟. آیا نیروهای سیاسی حاضر به همکاری مشترک خواهند شد؟. یا اینکه برخی از آنها اسیر خودستایی و غرورند؟ و حتی توانایی سازماندهی هواداران و نیروهای خود را هم ندارند. آیا تبلیغات گروه‌های فرصت طلب و شایعه ساز مانند نثر و تمندان شهر و توده ای هاکه بویژه در صفوف حزب دمکرات نفوذ چشمگیری داشتند مانع مقاومت در شهر مهاباد می‌شود و باپخش شایعات و اخبار دروغین می‌خواهند حتی از اشغالگران نیز پذیرایی شود؟. اینها سئوالاتی هستند که در ذهن نویسنده این سطر هادور میزند...!!! اما پاسخ این سوالات.....

یورش برای تسخیر شهر مهاباد که به پایتخت جمهوری کردستان مشهور است، در واقع حدود ساعت 23 شبانگاه 11 شهریور ماه 1358 آغاز گردید. فانتومهای جمهوری اسلامی در طول ساعات شب در آسمان شهر به غرش درآمدند و دیوار صوتی را بر فراز شهر شکستند تا مردم مهاباد و منطقه رابه هراس و وحشت اندازند. چنین وقایعی برای مردم کردستان حتی در زمان حکومت‌های خودکامه و دیکتاتور گذشته پهلوی هم پیش نیامده بود.

مطبوعات آن روز هادرباره این جنگ و یورش چنین مینویسند: «باروشن شدن فضای آسمان، هواپیماهای جنگی کوهها و تپه‌های مرتفع مهاباد ابار اکت و 60 تیر بمباران کردند. مقارن ساعت 9 صبح ستونهای اعزامی از جاده میان دو آب به سرپرستی تیمسار فلاحی و همزمان لشکر 64 ارومیه از 3 راهی محمدیار نقه به فرماندهی سرتیپ ظهیر نژاد یعنی از قسمت شرق و شمال مهاباد حرکت کردند و در فاصله جاده هافقط درگیریهای پراکنده ای روی داد. نیروهای نظامی خیلی با احتیاط حرکت میکردند و کوه‌های مشرف به جاده‌های نامبرده را با سلاحهای سنگین و تیرباران هلیکوپترها زیر آتش می‌گرفتند. حدود ساعت 15 نیروهای کلاه سبز و هوانیرو از طریق هلیکوپتر در نزدیکی دانشسرای مقدماتی شهر بعد از درگیری کوتاهی پیاده میشوند و این منطقه بتصرف پاسداران در می‌آید. در همین اوقات یکی از ساختمانهای پادگان مهاباد آتش می‌گیرد و این رویداد مسئولان پیشمرگ رابه وحشت می‌اندازد و هرکسی در صدد است که از راه بخش جنوبی و غربی شهر (جاده سردشت - تاقه دار -) خارج شود و برخلاف پیش بینیها بویژه در ارتفاعات و بلندیهای شهر مقاومتی صورت نمی‌گیرد. لشکرهای ارتش و پاسداران از داخل مهاباد عبور میکنند و به پادگان می‌رسند و آنجا را تسخیر میکنند. پیشمرگان کرد نمیتوانند که همه سلاحهای سنگین را با خود حمل کنند.» \* 37- روزنامه های کیهان و اطلاعات 13 شهریور 1358 « 4 سپتامبر 79 » ص.ص 1 و 3 و 4

حقگو استنادار اذربایجان غربی در تماس با خبرنگار روزنامه کیهان در این باره می‌گوید: «آتش سوزی پیش از ورود ارتش به پادگان مهاباد توسط پیشمرگان کرد که در پادگان بودند، صورت گرفته است. آنها بخش عمده ای از سلاحهای موجود در پادگان را با خود به کوهها و ارتفاعات برده اند. امامهات سنگین از جمله 4 تانک از میان 1 تانک پادگان و تعدادی توپ که از خود به جای گذاشته اند، امروز به دست نیروهای ارتش افتاد. هنگام ورود ارتش و پاسداران به مهاباد به مقر حزب منحل دمکرات هجوم برده شد و این ساختمان ویران گردید، اما کسی در این ساختمان نبود. شیخ عزالدین

حسینی و سران حزب دمکرات از جمله عبدالرحمن قاسم و قبلاشهر اترک کرده اند و بطوریکه بمن گزارش داده اند هر دوی آنها احتمالا به بانه رفته اند اما این گزارش هنوز تایید نشده است.» \*38- روزنامه کیهان 13 شهریور 58 ص.3 «4 سپتامبر 79»

خبرگزاری پارس به نقل از یکی از اهالی شهر مهاباد که با او تماس گرفته است میگوید: «در ساعت 18 امروز - 12 شهریور - هنوز صدای تیراندازیهای پراکنده ای به گوش میرسد و هلیکوپترهای جمهوری اسلامی بر فراز شهر مهاباد در پرواز هستند. ماهنوز اطمینان نداریم که از خانه های خود خارج شویم و شهر حالت کاملاً جنگی دارد و بنظر میرسد که شهر از جمعیت خالی شده است و اهالی در خیابانها و کوچه ها مدورفت دارند و این امر نشان میدهد که در منازل و جاهای امن پناه گرفته اند این شخص می افزاید: وقتی سراغ فرماندار و رئیس شهربانی و تنی چند از مقامات مهاباد را گرفتند، تلفنهای آنها پاسخ نمیدهد و بنظر میرسد که آنان نیز شهر اترک کرده و پامخفی شده اند. ساعت 17 و 30 دقیقه تپه بالای شهر یعنی - داشامجید - به تصرف درمی آید. \*39- کیهان 13 شهریور 1358 ص.3

از سوی دیگر محمودار دلان فرمانده واحد اعزامی که از راه میانواب به مهاباد آمده بود، در مورد ستونهای اعزامی می نویسد: «ما ساعت 13 روز 12 شهریور به دروازه شهر رسیدیم و بلافاصله تپه ها و ارتفاعات را بنصرف در آوردیم. ستون ما شامل واحدهای گردان 176 منجیل مراغه، گروه ضربت نیروهای کلاه سبز و هواپرداز تهران، گردان 185 قزوین، گردان 221 لشکر اهواز بایک آتش بار 203 میلی متری از مراغه بود...» \*40- کیهان 14 شهریور ص.3

امداد ارتباط باتسخیر شهر مهاباد از سوی نیروهای دولتی، رادیو بی بی سی در برنامه شامگاهی خود با انتشار خبری گفت: «که نیروهای کرد در طول شب و روزهای آینده حملات چریکی وسیعی را شروع خواهند کرد و کردها در کوهستانها در حال سنگربندی هستند.» روزنامه اطلاعات در این باره می نویسد: «پاخش این خبر از رادیو بی بی سی زنگ تلفن صدها خانه به صدادرآمد و مهابادیها بانگرانی این اخبار را برای همدیگر بازگو می کردند. شب گذشته بسیاری از خانه های شهر چراغهای خود را خاموش کرده و زیر نور شمع شب را گذرانندند.» \*41- روزنامه اطلاعات 13. 6. 1358 ص.2 (4 سپتامبر 1979)

روز 13 شهریور ماه حقوقدانان اذربایجان غربی با ملاصالح رحیمی پیشوای کردهای نقده ملاقات میکند. روزنامه کیهان در این باره مینوسد: «ملاصالح ضمن محکوم کردن حادثه ناسف بار روستای "قارنه" که موجب شهیدشدن 68 نفر از اهالی روستا گردید گفت: افراد بیگناهی که در روستای "قارنه" به شهادت رسیدند، همه مومن به انقلاب اسلامی بودند و تنها گناه این افراد این بود که در نبودند. در مقابل حقگو گفت: که عاملان این حادثه به مجازات میرسند.» \*42- کیهان 14. 6. 1358 ص.3 (5 سپتامبر 79) مردم "قارنه" و شماری دیگر از روستاهای منطقه از ترس تکرار این جنایت سبعانه به کوهستانهای منطقه کوچ کرده اند. همچنین بنابه تایید رسمی خبرگزاری پارس: «حدود هزار نفر از مردم روستاهای قره قشلاق، قره داغ، کوزه کریز، گردی یعقوب، داشخانه، کونه ده، خورخوره و قزل قویی در یکی از مدارس شهر مهاباد پناهنده هستند. انهاروشن ساخته اند که بر اثر حملاتی که هنوز معلوم نیست از چه ناحیه ای باشد به روستاهای آنها صورت گرفته است. به این دلیل به شهر مهاباد آمده اند.» \*43- روزنامه کیهان 14. 6. 1358 ش. ص.3 (5 سپتامبر 1979)

عراق مهاجمان فراری ایران را پناه می‌دهد

# پیشروی شهر به شهر ارتش در کردستان

وزیر کشور:  
قاسملو و حسینی رسماً به  
دولت اعلام جنگ داده‌اند

دولت هیچ حزب و گروهی را  
در کردستان برای مذاکره  
به رسمیت نمی‌شناسد

دموکراتها با سلاح اسرائیل  
در کردستان می‌جنگند

بوکان بدست ارتش افتاد

صاغیان: ارتش الان يك ملت را پشت سر دارد



شماره ۱۰۷۷۷

کردستان  
داد  
ات  
س  
دی با  
حسینی  
ه  
تان

## اشغال شهر بانه بعد از يك جنگ خونین

روز 13 شهریور ماه (4 سپتامبر 79) شهر بانه بعد از يك مقاومت خونین 7 ساعته در خارج و داخل شهر بفرماندهی چمران وزیر دفاع ایران به تصرف نیروهای اشغالگر نظامی درآمد. شدیدترین نقطه درگیری واحدهای ارتش و پاسداران بانیروهای پیشمرگه در گردنه بالای شهر به نام "قرچ دابان" روی داد که بعد از "گردنه خان" شدیدترین محل درگیریها بود. نیروهای پیشمرگه با خمپاره انداز، توپ و تانک که از یادگان بانه بدست آورده بودند، نظامیان ارتشی را زیر آتش گرفتند و شمار زیادی از کلاه سبزه‌ها و تکاورها را کشته و زخمی کردند. محمدنریموسانی خبرنگار اعزامی کیهان با ممداد روز 14 شهریور ماه 1358 در يك گزارش از اوضاع بانه چنین می‌نویسد: «ما اولین گروه خبرنگار بودیم که بعد از 10 ساعت از سنندج و مریوان وارد شهر جنگ زده بانه شدیم. در ابتدای شهر واحدهای لشکر 28 کردستان، تکاوران دریائی منجیل، پاسداران اعزامی و کلاه سبزه‌ها، افراد ژاندارمری باتانک و توپ و سلاحهای سنگین مستقر بودند. جنگ شدید در گردنه بالای شهر به نام "قرچ دابان" صورت گرفت. در این درگیری مسلحانه دو طرف با خمپاره انداز و توپ سنگین و تانک بطرف یکدیگر تیراندازی میکردند. در اینجا يك تکاور و 3 پاسدار شهید!!! میشوند. مردم بانه اعلام کرده اند که ما امنیت و آرامش می‌خواهیم و گرفتاریك جنگ تحمیلی شده ایم. نمایندگان کردها گفته اند که جلال طالبانی هم از آنها پشتیبانی می‌کند.

این روزنامه در ادامه گزارش خود می‌نویسد: از عزالدین حسینی و قاسملو که در این محل ستاد محکمی داشتند، خبری در دست نیست. اما سید جلال حسینی 2 ساعت قبل از ورود ارتش به بانه با يك لندروزر شهر را ترک کرده است. ستوان نقشبندی عضو گروه پیشرو ارتش هم تایید می‌کند که خطرناکترین نقطه جنگ گردنه های "قرچ دابان" و "کلی خان" بوده است. او اضافه کرده که در این درگیریها يك تانک و 2 خودرونیروهای کردبوسیله هلیکوپتر کبری نابود شدند و وسایل سنگین منهدم گردیده است. او تایید می‌کند که جنگ بانه برخلاف شهر مهاباد يك مقاومت خونین بوده است.

روزنامه کیهان ادامه می دهد که : يك کاميون دار بانه به اسم عبدالله زاده می گوید: این شهر پایگاه نیروهای کرد بوده و رفت و آمد نیروهای شیخ عزالدین حسینی وقاسملو وسیدجلال به ان سوی مرز مرتبا ادامه داشت و آنها همه مردم رابه مسلح شدن تشویق می کردند . خبرنگار اعزامی کیهان می نویسد : روز سه شنبه - 13 شهریور- ساعت 4 بعد از ظهر يك انبار مهمات نیروهای مسلح در 10 کیلومتری بانه در "پاسگاه رستمی" ضبط شد که شامل نارنجك انداز ، خمپاره ، بیسیم و سلاحهای سنگین دیگر بوده است . هم اکنون **دکتر چمران در بانه سرگرم تنظیم اداره شهر بوسیله پرسنل شهر بانی** می باشد و شهر بانه همچنان تعطیل بوده است . مردم بانه می گویند که افراد مسلح کرد بدنبال تصرف شهرهای بانه و مهاباد از این به بعد بطور منظم با واحدهای نظامی درگیر نخواهند شد بلکه **انهادر آینده به يك جنگ چریکی دست خواهند زد** .  
میدان عملیات آنان تمام نقاط مختلف کردستان خواهد بود. \* 44 - گزارش روزنامه کیهان 14 . 6 . 1358 . ش . ص . 1 و 11 (15 سپتامبر 1979)

### تیرباران گروهی دیگر در شهر سفز

«روز 13 شهریور 4 نفر دیگر در يك محاکمه فرمایشی به اتهام شرکت در جنگ مسلحانه در شهر سفز بنامهای عطا محمدی ، حسین محمدی ، ابراهیم محمدی و حسین نوری در پادگان شهر تیرباران می شوند . خلخالی در پی اعلام این خبر گفت : اعدام انقلابی این چهار نفر با حسن استقبال روبرو شده است » !!! \* 45 - روزنامه اطلاعات 15 . 6 . 58 . ص . ص . 1 و 2 ( 6 . 9 . 1979 )

مطالبی که در بالا به ان اشاره شد ، از قول خبرنگارانی است که تصاویر مستندی را درباره ان روزهای جنگ و گریز کردستان که از جانب نیروهای سرکوبگر به ملت ستم دیده کرد تحمیل کرده بودند ، در ذهن مامتجلی می سازد . در يك چنین جنگ خانمان سوزی بیشتر از هر چیز به مردم فقیر و بی دفاع و زحمتکش ضرر روزیان می رسد . بویژه که ملت کرد همچنانکه در بالا هم اشاره شد به هیچ عنوان خواستار چنین جنگ و جنایتی نبوده و اینر انمایندگان کردستان اعلام کرده بودند . بابررسی و تحقیق درباره اوضاع 6 ماه اول بعد از قیام سراسری خلقهای ایران ، اسناد و مدارك زیادی در این باره حتی از جانب مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در وزارت ارشاد تهران موجود است و نیز مدارك و اسناد زیادی در کتابها و آرشیوهای دولتی و کتابخانههای ملی و ... ثبت شده است که نشان دهنده این است که از همان اوایل انقلاب کردها خواهان حل مسالمت آمیز و سیاسی مسائل کردستان بوده اند . سخنگویان و نویسندگان « شریه چشم انداز ایران ویژه نامه کردستان هم که در 128 صفحه » به کوشش آقای لطف اله میثمی تهیه شده است به این مسئله اقرار می کنند .  
کتاب نامبرده در سایت اینترنتی : « [www.meisami.com](http://www.meisami.com) » قابل دسترسی است که در ان آقایان د. حاج سیدجواد د. ابراهیم یونسی ، مهندس عزت اله سبحانی ، هاشم صباغیان ، احسان هوشمند ، فاروق کیخسروی اقرار کرده اند که رهبران حکومت و شخص خمینی و نمایندگان در کردستان مرتکب قتل عام و جنایت شده اند . هر چند بعضی از انها بخاطر ترس و اختناق حاکم بر کشور هرزه گوییهای مرتجعین و شوینیسهای بنیادگرا را علیه رهبران و احزاب کرد و جنبش از ادب بخش کردستان تکرار کرده و خاطرات و وقایع تاریخ را برخلاف حقایق تعریف می کنند . نشریه نامبرده در اردیبهشت ماه - سال 1382 - در تیراژ وسیعی در داخل کردستان منتشر شده است .

در این نوشته خود به روز چهاردهم شهریورماه 1358 (5 سپتامبر 79) می‌رسیم که اکثر شهرهای کردستان به تسخیر نظامی نیروهای اشغال‌گرد آمده‌اند. تنها شهری که دولت به انجام رسیده، شهر سردشت است که خالی از سکنه بود. نیروهای نظامی مستقر در شهر مهاباد اعلام کردند که يك تانك جنگی را که چند روز قبل در سد دریاچه مهاباد سقوط کرده بود در يك عملیات دوباره به غنیمت گرفته‌اند. اما سر نشینان مهاجم آن اطلاعی درست نیست.

نیروهای دولتی که بنابه تایید مقامات کشوری هیچ پایگاهی در میان مردم کردستان نداشتند، تنها از راه زور و قدرت نظامی در صدد آرام کردن مردم بودند. اما اعدام‌های دستجمعی بدون محاکمه و قتل عام‌های روزهای گذشته، مردم فقیر و ستمدیده سراسر کردستان را خشمگین و عصبانی تر کرده بود. بویژه فالانترهای خمینی همه اعتراضات مردم انقلابی کردستان را که در مدت بیشتر از یکسال گذشته به آن عادت گرفته بودند، با شدت و تعصب کوردلانه سرکوب می‌کردند. هیجان و غرور حماسی خلق کردستان وقتی شدت پیدا می‌کرد که آنها بدون اطلاع از اوضاع درونی و روانشناسی مردم در سر نوشت آنها دخالت می‌کردند و اخبار را وارونه منعکس می‌ساختند. البته خبرهای داخلی کردستان که در اثر فعالیت خبرنگاران در خارج بویژه در کشورهای همسایه منتشر می‌شد، تأثیرات آن را بجایی رساند که بعد از تسخیر شهر مهاباد و گسترش سیاسی نظامی جنبش مقاومت خلق کرد، مانع اعدام‌های دستجمعی نظیر شهرهای پاوه، سنندج، مریوان و سقز شد. البته این فقط بخاطر ترس و هراس از گسترش شور انقلابی مردم بود که در هفته‌های بعد همانند سیل خروشان کردستان را فرا گرفت و با وجود اشغال نظامی و خفقان شدید این حرکت مسیر پر خروش جنبش مقاومت انقلابی کردستان را سپری ساخت. ملت کرد، در این امتحان و آزمایش همگانی کارنامه سرافرازی و شکوفایی مبارزه خلق ما دریافت کرد که بعد از حدود 2 ماه مجدداً شهرهای کردستان به دست پیشمرگان و نیروهای مردمی افتادند.

### جلسه در فرمانداری مهاباد و تظاهرات مردم شهر

روز - چهاردهم شهریور ماه 58 - جلسه‌ای در فرمانداری شهر مهاباد با شرکت مقامات نظامی و دولتی و عده‌ای از مردم شهر در پوشش حفاظت شدید نظامی برگزار شد. رحمان فاضلی سرپرست فرمانداری مهاباد در گفتگویی با خبرنگاران گفت: «در این جلسه که سرهنگ نیکام فرمانده نیروهای مستقر در مهاباد و ابو شریف و عده‌ای دیگر از مقامات نظامی و دولتی شرکت داشتند، من حقایق را گفتم و یادآور شدم که تعدادی از جوانان و مردم شهرهای مهاباد، اشنویه، سنندج، پیرانشهر، پاوه، بوکان، سقز و غیره از خانه و کاشانه خود رفته اند و مسلماً اگر اینها متمرکز شوند برنامه‌هایی دارند.... باید مسایل شهرهای کردستان از راه مذاکره و مسالمت‌آمیز حل شود.» \* 46 - کیهان 15. 6. 58 ص. 2

بدنبال این اجتماع در فرمانداری هنوز 2 روز از اشغال شهر سپری نشده بود که يك تظاهرات ضد دولتی در میدان شهرداری برگزار میشود. دکتر حقیقو استاندار اذربایجان این مطب را رسماً به دولت و خبرنگاران گزارش داد: «روز گذشته - 14. 6. 58 - در مهاباد حدود 300 نفر از جوانان شهر به حمایت از شیخ عزالدین حسینی دست به تظاهرات زدند که بعد از تعدادی ناهماهجه دوهزار نفر رسید ولی این تظاهرات با تیراندازی هوایی به پایان رسید و تظاهرکنندگان متفرق شدند. او اضافه کرد: که 2 روز است مغازه‌های سردشت تعطیل است و شماری از سران عشایر کردهای ترگورو مرگور با دولت جمهوری اسلامی اعلام همبستگی کرده‌اند.» \* 47 - روزنامه کیهان 15 شهریور ماه 58 ص. 2 (6 سپتامبر 1979)

روزنامه اطلاعات در این باره چنین می نویسد: «در حالیکه ارتش و پاسداران در شهر مهاباد مستقر هستند ، دیروز تظاهراتی از ساختمان فرمانداری مهاباد ، آغاز شد و در برخی از خیابانهای شهر ادامه یافت . تظاهرکنندگان که خواستار خروج پاسداران بودند ، شعارهای خود را به نفع شیخ عزالدین حسینی تغییر دادند . در این مدت ممانعت و درگیری پیش نیامد . اما قوای انتظامی از 4 سو تپه های مشرف به شهر مهاباد راههای ارتباطی را زیر کنترل دارند.... تاکنون 6 تانک و مقدار زیادی سلاح و مهمات که قبلا در اختیار دمکراتها بوده ، جمع اوری و به پادگان مهاباد برگردانده شد. ... 4 تانک دیگر کماکان ناپدید هستند . پریشب با خمپاره و توپ 105 به واحدهای مستقر در شهر بوکان حمله شد...» \* 48 - روزنامه اطلاعات 15 شهریور 58 ص. 1 و 2

روز پانزدهم شهریور ماه خلخال نماینده خمینی که از نظر کردها جلادی بدتر از اویسی است ، اجتماعی را در شهر مهاباد ترتیب میدهد و به مردم شدیداً اخطار می کند: «که دادگاههای انقلابی!!! در مهاباد وظیفه خود را انجام می دهد . تظاهرات به هر عنوان قدغن است . ارتشیان زندانی در پادگان ارومیه طبق مقررات مجازات می شوند.» در این جلسه شماری از مردم شهر مهاباد شامل نمایندگان شورای شهر ، بازاریان ، روحانیون و جوانان و مقامات دولتی حضور داشتند . خلخال در این جلسه می خواست فقط سخنرانی خود را ادامه دهد . اما جلسه به يك بحث و گفتگوی عمومی عوض و تبدیل میشود» خبرنگار اعزامی و فداکار روزنامه اطلاعات که در این جلسه شرکت داشته است . در این باره گزارش مفصلی دارد که در بخشهایی از آن چنین می نویسد: «خلخال ضمن تشریح حوادث روزهای گذشته در شهرهای کردنشین گفت : مادرپاوه کسانی را گرفتیم که مسیحی بودند . مسیحی انجاچه کار می کند . دیروز شنیدیم که در مهاباد تظاهرات شده و يك مشت بچه جمع شده اند و گفته اند ما پاسدار نمی خواهیم و عزالدین رهبر ماست . این پاسدارانی که شمامیبینید یادکتر هستند یا مهندس یا دیپلمه ، ببینید که اخلاقتان چطور است!!! اینها حقوق هم نمی گیرند فقط به خاطر اسلام است که به اینجامده اند (در اینجایی از افراد شهر اعتراض می کند).... در این مجلس پاسداران قصد داشتند یکی از اعضای شورای شهر را بازداشت کنند . اما خلخالی گفت : در این مجلس کسی بازداشت نشود و علماقول دادند که دیگر در شهر مهاباد تظاهرات نخواهد شد!!! خبرنگار روزنامه اطلاعات در ادامه این گزارش مشروح خود می نویسد : جوانی از میان جمعیت بپاخواست و گفت: از طرف مردم مهاباد و حومه قطعنامه ای صادر شده است . خلخالی گفت: تعداد امضای قطعنامه چقدر است؟ جواب: امضا ندارد. خلخالی: از طرف مردم مهاباد و حومه و کالتنامه دارید؟ جواب: نه..... جوان مهابادی قطعنامه را می خواند:

ماده 1 - به رهبران مذهبی و سیاسی که خون آنها با خون ملت کرد یکی است هیچ گونه توهین نشود.

ماده 2 - مجاهدین - پاسداران و بسیجی ها - حق ورود به شهر و دهات اطراف کردستان و مناطق کردنشین را نداشته باشند.

ماده 3 - عفو عمومی برای تمام ملت کرد که شامل سران کرد و حزبی هم باشد.

خلخال در جواب گفت: قبول نداریم . ما عزالدین حسینی و قاسم لور را به عنوان سران کرد نمی پذیریم . مجاهدین نیز به همه جا خواهند رفت . جوان قطعنامه را ادامه داد :

ماده 4 - تشکیل نشدن دادگاههای انقلابی در شهر مهاباد . خلخالی: ممکن نیست . دادگاه باید وظیفه خود را انجام دهد.

ماده 5 - ازادی برادران کرد که در مهاباد دستگیر شده اند . خلخالی گفت: آنها که ضد خلقی بوده اند، اگر توبه کنند مشمول عفو خواهند شد و انهایی که از سران هستند حسابی دیگر دارند .

ماده 6 - عفو عده ای از برادران ارتشی که در مهاباد خدمت می کرده اند اکنون در پادگان ارومیه زندانی هستند . خلخالی: ابد قبول نداریم و طبق مقررات ارتش با آنها رفتار می شود . تا ارتشی ها بفهمند وقتی از مردم حقوق می گیرند . باید به نفع مردم خدمت کنند .

ماده 7 - از اعدام برادران کرد ارتشی در سنندج جلوگیری شود . خلخالی پاسخ داد: این خواست ممکن نیست و شما نباید این حرفها را بزنید . زیرا شما اینجان شسته اید و اگر مسئله ای باشد ، آنها مطرح خواهند کرد . روزنامه اطلاعات در ادامه این گزارش می نویسد: جوانی که این قطعنامه را می خواند گفت: پاسخ مثبت این هفت ماده را باید ظرف 48 ساعت از رادیو و تلویزیون بدهید . خلخالی گفت: پاسخ هاراهمین الان داده ام و دیگر احتیاج به 48 ساعت مهلت نیست . شما نباید بگویم تظاهرات قدغن است ارتش و پاسداران همه جاهستند.!!!\* 48 - روزنامه اطلاعات 18 شهریور ماه ش . ص ص . 1 و 2 ( 9 سپتامبر 1979 م . ) ( علاقمندان می توانند متن کامل گزارش فوق را در روزنامه اطلاعات همان روز مراجعه کنند ) این نمونه ای از مقاومت انقلابی مردم کردستان است که در شدیدترین شرایط خفقان و تهدیدهای نظامی روحیه خلق ما را در مقابل دشمنان و اشغالگران تسلیم نخواهد ساخت و چنین روحیه ای همیشه زنده و پایدار خواهد ماند . ملت کرد در مدت 25 سال گذشته در این آزمایش عمومی موفق و سرفراز بوده است .

در همین روز یعنی بعد از ظهر پنجشنبه 15 شهریور ماه ستونهای نظامی ارتشیان و پاسداران و نیروی هوایی وزمینی لشکر سنندج ، تکاورهای نیروی دریایی و هوایی شیراز به فرماندهی چمران ، شهر سردشت را که تقریباً خالی از سکنه بود ، بعد از مقاومتی کوتاه تسخیر کردند . بدین ترتیب نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی شهرهای مهم کردستان را ظاهر را تسخیر و اشغال نظامی کردند .

### آمدن مهندس بازرگان به شهر مهاباد

در حالیکه نیروهای مختلف مردم در شهرهای ایران بویژه شهر تهران خود را برای سالگرد 17 شهریور - جمعه خونین میدان ژاله - آماده می کردند . هیئت حاکمه ایران به فرمان خمینی ، مهندس بازرگان نخست وزیر ایران را به همراه صباغیان وزیر کشور و تیمسار شاکر رئیس ستاد مشترک ارتش و دیگر مسئولان از برای جانگزی در پوشش امنیتی شدید به شهر مهاباد می فرستاد تا به اصطلاح پیام عفو و بخشش امام را به مردم کردستان برساند و به جهانیان نشان دهد که اشوب و غائله !!! کردستان تمام شد . آنها قبل از ظهر روز جمعه 16 . 6 . 58 - 7 سپتامبر 79 - در مهاباد از جانب گروهی که ملا کریم شارکندی هم در میان آنها بود در پادگان نظامی مهاباد مورد استقبال قرار گرفتند .

هاشم صباغیان درباره این مسافرت چنین می نویسد: «ارتش گفت که امنیت را تامین میکنیم و هلی کوپتر نخست وزیر را از پائین تریه وسیله هلی کوپتر کبری اسکورت می کنیم ، چون کبری را در ارتفاع پائین نمی توانند بزنند و از ارومیه با هلی کوپتر به مهاباد آمدیم و حضور مهندس بازرگان خیلی اثربخش بود. .... پس از مجموعه مطالعاتی که ما انجام دادیم

به این نتیجه رسیدیم بر خورد با کردها هم باید با قدرت باشد هم با رحمت.»\* 49 - نشریه چشم انداز ویژه کردستان (82) ص 57

چه عجب اقدام رحمت و عنایت !!! جنگ افروزان بعد از گذشت سالها هنوز در چهارچوب خیالبافی و شوینستی خود سرگردان هستند . انها 25 سال است که همچنان با قدرت و جنایات غیر انسانی رفتار می کنند .

ملاکریم شاریکندی که همراه گروهی دیگر به استقبال بازرگان آمده بود ضمن خیر مقدم چنین می گوید : « ما با ایمان به شخصیت علمی و دینی جنابعالی و با اقرار به حسن نیت شما ، مقدم هیئت محترم جمهوری اسلامی ایران رابه میان خود خیر مقدم عرض می کنیم . امیدوارم این تشریف رمایی به نفع همه ما باشد .... عفو و محبت و دست دوستی دراز کردن از تانک و فانتوم و دیگر سلاحها موثر تر خواهد بود ... دلهایی در ترس و هراس است که از شما بوسیله شما از پیشگاه امام برای انها طلب عفو عمومی و سماحت اسلامی دارم » مهندس بازرگان در جواب ملاکریم سخنرانی می کند و می گوید که دولت همیشه حسن نیت دارد . او از سیاست های سرکوبگرانه دولت دفاع می کند و مردم کردستان و نیروهای سیاسی رامتهم می کند که بعد از قیام در این مناطق آشوب و بلوا بر پا کردند . \* 50 روزنامه های اطلاعات و کیهان 18 شهریور ماه 58 ص 3 و 3 .



پادگان مهاباد 17. 6. 1358 در این عکس از راست به چپ : ملاکریم شاریکندی ، رحمان فاضلی فرماندار مهاباد ، ابوشریف ، خلخالی ، بازرگان ، هاشم صباغیان دیده می شوند .

بازرگان در این مسافرت در یک پیام که از رادیو و تلویزیون مهاباد پخش شد از سوی امام پیام عفو و رحمت رامی خواند و می گفت انهایی که در این غائله شرکت کرده اند به دامن اسلام و دولت باز گردند . انگار که رهبران و نیروهای سیاسی کردستان فرمان روزهای 27 و 28 مرداد ماه را صادر کرده بودند و از نیروهای مسلح و مردم کردستان خواسته بودند که

به شهرها و روستاهای خارج از کردستان یورش ببرند و خرمنها و مزارع مردم را بسوزانند و کشتارها و تیربارانهای دستجمعی راه بیندازند . !!!

امدن بازرگان به شهر مهاباد تنه‌ایک بلوف و خونمایی بود . در میان کردها انعکاس چندانی نداشت . زیرا اوضاع کردستان ایران خیلی بحرانی بود . صدای اعتراض علیه این ترورها و برخورد جنایتکارانه پاسداران انقلاب ایران روبه گسترش بود . نیروهای مسلح مردمی و پیشمرگان کردستان اجبارا در مقابل این یورش سراسری دچار شکست موقت شدند و رهبران کرد و نیروهای سیاسی به مناطق کوهستانی سردشت و بانه عقب نشینی کردند . هواپیماها و هلی کوپترهای جنگی روستاها و منازل مردم بی دفاع را ویران می‌کردند . آنها بسیاری اوقات مجبور بودند که منازل خود را ترک کرده و به جاهای امن پناه ببرند .

### مستقر شدن نیروهای سیاسی در کوهستانهای سردشت و بانه و...

برای مردم کردستان ایران افتخار و دستاورد بزرگی بود که رهبران کردستان و نیروهای سیاسی به کوهستانها رفتند و مردم را بدون توهم به مقاومت و مبارزه عمومی تشویق کردند و حائثه و رویداد عدم مقاومت سال 1324 شمسی زنده یاد قاضی محمد دوباره تکرار نشد . اگر نیروهای سیاسی برخلاف ادعایشان ، دیسیپلین و تجربه دقیقی می‌داشتند و با همدیگر همکاری گرم و انقلابی می‌کردند و احترام متقابل داشتند ، شرایط و اوضاع بحرانی کردستان بهتر می‌شد . در آن شرایط و دوران هنوز میان نیروهای مختلف مردم و احزاب سیاسی صف بندی نشده بود . بویژه نیروی پیشمرگه‌ها در یک جبهه واحد مقاومت می‌کردند . کمتر کسی در میان احزاب تفاوت قائل بود و به آنها به یک بینش می‌نگریست .

مسئولان نیروهای سیاسی کردستان در اطراف روستای سخت و کوهستانی " توژله " سردشت که تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان بود ، اقدام به تاسیس پایگاههای موقت تابستانی کردند . دبیرکل اتحادیه میهنی آقای جلال طالبانی از همه نیروها پذیرایی و استقبال کرد . دره توژله و ناوزنگ به دره احزاب مشهور بود . نیروهای سیاسی همه بخشهای کردستان حتی اعراب بعضی که از عراق و سوریه فرار کرده بودند در آنجا چادری برای خود بنا کرده بودند .

روز 16 شهریور ماه 58 ( 7 سپتامبر 79 ) ماموستا شیخ عزالدین حسینی که از پشتیبانی و احترام عظیم مردم کردستان و احزاب سیاسی برخوردار بود ، نیروهای سیاسی کرد و ایرانی را به محل اقامتش که به شدت کنترل و حفاظت می‌شد ، دعوت کرد تا در مورد اتحاد و همبستگی و برنامه مشترک برای ادامه مبارزه علیه یورش و اشغال نیروهای ارتش و پاسدار گفتگو کنند . این اجتماع روز 18 شهریور ماه با شرکت نمایندگان سازمان چریکهای فدایی و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) ، حزب دمکرات کردستان ایران و دفتر ماموستا برگزار گردید و در مورد شرایط و اوضاع کردستان و مسائل مختلف مذاکره و گفتگو شد . اما نیروهای سیاسی باز هم نتوانستند در مورد پروژه‌های مشترک یک سند رسمی امضا کنند .

### تظاهرات شهرهای کردستان بمناسبت 17 شهریورماه

روز 17 شهریورماه 58 به بهانه سالگرد خونین 17 شهریورمیدان ژاله تهران درشهرهای مختلف کردستان تظاهراتی راه افتاد . مهمترین آن درشهربانه روی داد که بنابه گفته فرمانده پادگان بانه نیروهای نظامی دخالت کردند و موجب برخورد شد . مردم خواستار خروج نیروهای نظامی و دولتی شدند . نیروهای دولتی به مردم هشدار می دادند که باید مردم خلع سلاح شوند . اما اغلب فرمان و هشدار هایشان برضد خودشان تبدیل می شد . متن کامل این گزارش درروزنامه های روز 18 شهریورماه 58 بویژه روزنامه کیهان ص . 3 درج شده است .

ادامه دارد (ترس و وحشت نیروهای دولتی از گسترش مقاومت چریکی و....)

منصوربلوری شهریورماه 1383 (1وت 2004)